

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

۷..... یادداشت نویسنده و تشکر

۸..... مقدمه

در آغاز ...

۱۲..... موسیقی اولیه

اکنون در مسیر ...

۱۸..... ژوسکن

۲۰..... پالستینا

۲۴..... جزوالدو

چند انگلیسی

۲۸..... برد

۳۱..... کلارک

۳۲..... پربیل

و اینک باروک

۳۸..... مونته‌وردی

۴۲..... ویوالدی

۴۶..... باخ

۵۴..... هاندل

چند نمونه‌ی کلاسیک

۶۴..... هایدن

۶۹..... موتسارت

۷۶	بتیون
۸۰	واگنر
۸۶	برامس

Shiraz-Beethoven.ir

به دنبال ترانه

۹۰	شوبرت
۹۳	شومان

روس‌ها می‌آیند، روس‌ها می‌آیند.

۹۸	پنج قدرتمند
۱۰۳	چایکوفسکی

روایتی مضحک و کوتاه از تاریخ اپرا

۱۰۸	اپرا
-----	-------	------

اوضاع آشفته‌ی امروز ما

۱۱۴	استراوینسکی
۱۱۷	شونبرگ
۱۲۰	باغداران بی‌بلاق‌نشین انگلیسی
۱۲۳	آبوز

به کجا می‌رویم؟

۱۲۶	کیچ
۱۲۹	کُدا
۱۳۰	تمایه
۱۳۴	درباره‌ی نویسنده و تصویرگر کتاب

هَنَدِل

اگر کسی می‌دانست هَنَدِل هنگامی که بزرگ شود آهنگسازی چنین بااهمیت خواهد شد شاید امروز ما اطلاعات بیشتری از سال‌های اولیه‌ی زندگی او داشتیم، اما در آن زمان کسی اهمیت چندانی به این مسئله نداده بود.^۱

جرج فریدریک هَنَدِل (George Frideric Handel) در ۱۶۸۵ در شهر کوچک هاله در ساکسون آلمان به دنیا آمد. اگر به هاله بروید خانه‌ای را با نوشته‌ی «زادگاه هَنَدِل» خواهید یافت. او در منزل مجاور این خانه متولد شد.

پدر بزرگ هَنَدِل، والتین هَنَدِل، در حدود سال ۱۶۰۰ به این شهر نقل مکان کرد و وزن‌کننده‌ی رسمی نان شهر شد. پدرش گِئورگ که هنگام تولد او ۶۲ سال داشت آرایشگر و جراحی برجسته بود. این ترکیب آمیزه‌ای مفید از مشاغل است. مشتریان گِئورگ هنگامی که از او می‌خواستند قدری از بالا و کناره‌ها بردارد باید مواظب می‌بودند اما دست‌کم اگر هنگام اصلاح کردن جایی را می‌برید می‌دانست چگونه بخیه بزند و دوباره همه چیز را به جای اول برگرداند. یک‌بار تیغی چاقوی شکسته‌ای را از شکم پسری که آن را یک سال و نیم قبل بلعیده بود خارج کرد. گِئورگ فقط سیمی را دور آن حلقه کرد و کشید. پسرک از آن به بعد، به نام روڈلف شمشیر قورت داده معروف شد.

پدر هَنَدِل هیچ علاقه‌ای به موسیقی نداشت و بنابراین فکر می‌کرد پسرش هم نباید علاقه‌ای داشته باشد.^۲ او می‌خواست پسرش دنبال وکالت برود و برای خودش کسی بشود. مادر هَنَدِل، دوروتیا، بیشتر اهل مدارا بود و داستان چنین ادامه می‌یابد که او یک ساز شستی‌دار کوچک و بی‌سروصدایی به نام هارپسیکورد را قاچاقی وارد خانه می‌کند و به این ترتیب پسرک می‌تواند آخر شب هنگامی که پدرش خواب بود در اتاق زیرشیروانی تمرین کند. داستان بیش از آن خوب می‌نماید که واقعی باشد. اگر از من می‌پرسید می‌گویم احتمالاً هَنَدِل خودش این داستان را ساخته است.^۳

یک روز هنگامی که حدوداً نُه‌ساله بود، به همراه پدرش به کاخ دوک رفت. دوک می‌خواست مویس فر بیشتری داشته باشد و قدری اصلاح در قسمت پشت سرش انجام گیرد. هنگامی که پدر هَنَدِل مشغول قیچی کردن بود پسرک در حال گشت‌زدن، به کلیسای کوچکی که آرگی در آن بود وارد می‌شود. هَنَدِل

۱. دفعه‌ی بعد می‌دانم چه باید بکنیم.

۲. بعضی وقت‌ها مردم واقعاً مضحک می‌شوند.

همیشه مردمانی وجود خواهند داشت که معتقد باشند اپرا تجلی عالی‌ترین دستاورد هنری در موسیقی است. آنها به این موضوع معتقدند چون فکر می‌کنند همه این اعتقاد را دارند. اپرا صورت جمع واژه‌ی لاتینی آپوس، به معنای کار است و این همان چیزی است که در جریان گوش دادن به اپرا اتفاق می‌افتد.^۱ در واقع همه‌ی این ماجرا تقصیر مونته‌وردی است. اگر او آن نمایش موزیکال – اورفیه – را در ۱۶۰۷ نوشته بود شاید این جنون اپرا هرگز شروع نمی‌شد.^۲ اما هنگامی که شروع شد همه‌جا را فرا گرفت. کلیسای رُم نهایت تلاش خود را به کار بست تا جلوی پیشرفت آن را بگیرد. کلیسا می‌گفت به جای تصنیف اپرا آهنگسازان باید نیروی خود را روی خلق آرتوریوها بگذارند. این ترفند فقط مدتی نتیجه داد.^۳

در قرن‌های هفدهم و هجدهم اپراها به دو دسته‌ی مشخص تقسیم می‌شدند: اپرا سیریا و اپرا بوفا یا اپرای جدی و گمیک. خواننده‌های اپرای محبوبیت فراوانی کسب کردند و نفوذ فراوانی در موسیقی و سیاست، هر دو، یافتند. محبوب‌ترین نوع صدا در این دوره در ایتالیا، کاستراتو بود. پسرهای کوچک که صداهایی با آینده‌ی خوب داشتند یا، بدون رضایت خودشان کاستراتو می‌شدند.^۴ در ایتالیای قرن هجدهم تقریباً چهار هزار پسر بچه بودند که چنین سرنوشتی یافتند و بیشتر آنها بعدها خوانندگی را کنار گذاشتند.

احتمالاً بهترین و مشهورترین کاستراتو، کارلو بروسکی، معروف به فارینلی بوده است. او می‌توانست بیشتر خوانندگان هم عصر خود را، اعم از زن و مرد، مغلوب کند.^۵ او خواننده‌ی دربار فیلیپ پنجم پادشاه اسپانیا شد و هر شب برای او آواز می‌خواند تا بخوابد. شاه از این کار بیشتر از قصه‌های شبانه خوشش می‌آمد.

محبوبیت اپرا بوفا، از نمایش‌های کوتاه کمدی به همراه موسیقی شروع شد که اینترمتزی نامیده

۱. روان‌شناس‌ها به آن «ذهنیت عامیانه» می‌گویند.

۲. بعضی‌ها فکر می‌کنند جمع کلمه‌ی آپوس/ آپوس‌ها است. به این افراد امید نیست.

۳. بعضی‌ها دوست دارند وینچنزو گالیله و دارودسته‌ی کامیراتای وی را در این رابطه سرزنش کنند اما در این ماجرا آنها فقط شریک جرم بودند.

۴. آرتوریو، اپرای بدون صحنه‌آرایی، لباس و حرکات نمایشی است. تولید آرتوریو بسیار ارزان‌تر از اپرا است اما حتماً نصف یک اپرا هم سرگرم‌کننده نیست.

۵. اپرلا، تنگ‌انگیز، وینچنزو گالیله و دارودسته‌ی کامیراتای وی را در این رابطه سرزنش کنند اما در این ماجرا آنها فقط شریک جرم بودند.